

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

# قصه نویسی

ویژه دانش آموزان متوسطه اول و دوم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

## سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...)، می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

تحلیل یک قصه بر اساس کوه داستان هفت مرحله‌ای

در این مرحله، با استفاده از یک فعالیت بازی‌گونه، کوه داستان هفت مرحله‌ای را مرور می‌کنیم و در نهایت یک قصه را با توجه به آن تحلیل می‌کنیم.

برای این درس، لازم است یک قصه را انتخاب کنید و پیش از کلاس آن را بر اساس کوه داستان هفت مرحله‌ای، جداسازی کنید. سپس آن را در قالب هفت پاراگراف پراکنده، روی یک برگه پرینت گرفته و به دست بچه‌ها بدهید. مدتی به آن‌ها زمان بدهید تا قصه را مرتب کنند. (پیشنهاد می‌شود الگوی کوه داستان هفت مرحله‌ای را روی تخته بنویسید تا کارشان ساده‌تر شود: شروع – اتفاق غیر منتظره – ساختن – مشکل و راه حل – مشکل – در آستانه‌ی فرود – پایان)

برای این تمرین می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان استفاده کنید. همچنین می‌توانید از قصه‌ی زیر استفاده کنید. (ما این قصه را به ترتیب به شما ارائه می‌دهیم. فراموش نکنید که آن را به صورت پراکنده و بدون ذکر عنوان مراحل مختلف کوه داستان به بچه‌ها برسانید.)

دختری به نام سوفی در یک یتیم‌خانه زندگی می‌کرد. او زندگی یکنواخت و بی‌هیجانی را تجربه می‌کرد. (شروع)

یک شب، در حالی که سوفی بیدار بود، ناگهان یک گول بزرگ و ترسناک در خیابان می‌بیند. گول بزرگ که لو رفته بود ناچار می‌شود سوفی را از یتیم‌خانه بدزدد. سوفی در ابتدا بسیار ترسید، زیرا شنیده بود که گول‌ها بچه‌ها را می‌دزدند و آن‌ها را می‌خورند. (اتفاق غیر منتظره)

اما به زودی متوجه شد که این گول برخلاف ظاهرش، مهربان و دلسوز است. گول بزرگ مهربان به سوفی می‌گوید که او تنها گول گیاه‌خوار است و از خوردن آدم‌ها بیزار است. به همین خاطر بقیه‌ی گول‌ها مسخره‌اش می‌کنند. او هر شب با استفاده از شیپوری خاص به خانه‌ها می‌رود و رؤیاهای زیبا را در گوش کودکان می‌دمد. سوفی و گول بزرگ به یکدیگر نزدیک می‌شوند و دوستی عمیقی بین آن‌ها شکل می‌گیرد. (ساختن)

گول مهربان و سوفی سفری را آغاز می‌کنند. در حین ماجراجویی، سوفی به چنگ گول‌های آدم‌خوار می‌افتد. گول بزرگ مهربان او را نجات می‌دهد. سوفی از او تشکر می‌کند. اما گول بزرگ مهربان به او می‌گوید که مشکل بزرگ‌تری در کمین است. (مشکل و راه حل)

ماجرا این است که گول‌های آدم‌خوار به تازگی محل زندگی آدم‌ها را پیدا کردند و اگر کسی جلوی آن‌ها را نگیرد، اتفاق بدی می‌افتد. آن‌ها باهم پیش ملکه می‌روند و او را از این خطر مطلع می‌کنند. گول‌های آدم‌خوار حمله را آغاز می‌کنند و جنگ آغاز می‌شود. ملکه و سربازانش متوجه می‌شوند که این گول‌ها بسیار قوی‌تر از آن چیزی هستند که فکر می‌کردند. گول بزرگ احساس ناامیدی می‌کند و از این می‌ترسد که نتواند بچه‌ها را نجات دهد. سوفی باید به او یادآوری کند که با همکاری می‌توانند بر این چالش غلبه کنند و همین اتفاق می‌افتد. (مشکل اصلی)

نیروهای ملکه به کمک سوفی و البته اطلاعاتی که غول مهربان از بقیه‌ی غول‌ها دارد، با آن‌ها می‌جنگند. آن‌ها با کمک یکدیگر و با استفاده از هوش و خلاقیت، نقشه‌ای می‌کشند تا دیگر غول‌ها را فریب دهند و بچه‌ها را نجات دهند. آن‌ها با همکاری به موفقیت دست می‌یابند و دیگر غول‌ها را شکست می‌دهند. (در آستانه‌ی فرود)

در نهایت سوفی به یتیم‌خانه بر می‌گردد. غول بزرگ مهربان هم به عنوان عضو افتخاری یتیم‌خانه آن‌جا می‌ماند و کنار بقیه‌ی بچه‌ها زندگی می‌کند. (پایان)

پس از این که دانش آموزان بخش‌های مختلف قصه را به خوبی کنار هم چیدند، از آن‌ها بخواهید درمورد آن گفت‌وگو کنند. مشکلات را بررسی کنند و این که چه طور از پس مشکل اول، مشکل دوم پدید آمد را تحلیل کنند. در مورد پایان نظرات خودشان را بدهند و بگویند چه پایان‌های دیگری می‌توانستند برای این قصه در نظر بگیرند؟

### درست نویسی (زبان محاوره و زبان معیار)

هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که بی‌غلط می‌نویسد. شما هرچقدر هم که نویسنده‌ی خوبی باشید، باز باید هرازگاهی قواعد درست نویسی را مرور کنید. این اصول و قواعد قصه‌ی شما را زیباتر می‌کند. زمانی که شخصی داستان شما را می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و پی می‌برد که متنی از یک نویسنده‌ی کاربلد مقابل او قرار دارد.

یکی از مهم‌ترین اشتباهات رایج برای نویسنده‌های تازه‌کار، استفاده‌ی نادرست از «محاوره نویسی» است. زبان محاوره زبان رایج میان مردم است که برای برقراری ارتباطات روزانه‌شان به‌وسیله‌ی آن حرف می‌زنند. همه‌ی ما با این زبان بزرگ می‌شویم. برای مثال ما در زبان محاوره می‌گوییم: دلم می‌خواهد کل روز بخوابم. پس کی میریم؟ چرا نمیاد؟ کار خودشه. این بار می‌دونم باهاش چیکار کنم.

در مقابل زبان محاوره، «زبان معیار» قرار دارد. متنی که در کتاب‌ها می‌خوانید با این زبان نوشته شده‌اند. از بچه‌ها بخواهید مثال‌های پاراگراف قبل را با زبان معیار بنویسند.

یک کاربرد به بچه‌ها بدهید و روی آن قصه‌ای را با زبان محاوره بنویسید. از بچه‌ها بخواهید این قصه را با زبان معیار بنویسند. به آن‌ها بگویید سرفصل‌های کوه داستان هفت مرحله‌ای را در دفترشان بنویسند و بخش‌های مربوط به هر مرحله را مقابل خودش بنویسند.

برای تمرین فوق می‌توانید از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودک و نوجوان استفاده کنید. همچنین از قصه‌ی زیر هم می‌توانید استفاده کنید.

«دانیال و ملیکا خواهر و برادر بودن. اونا با مامانشون تو یه کلبه نزدیک یه جنگل زندگی می‌کردن. اونا کنار هم زندگی خوب و خوشی داشتن. هرروز به مامانشون کمک می‌کردن و به مرغ و خروسا و گاو و گوسفندا غذا می‌دادن. بعدش هم هیزم جمع می‌کردن و باهم غذا می‌پختن. (شروع)

یه روز که داشتن با مامانشون قایم باشک بازی می‌کردن، یه دفعه مامانشون ناپدید می‌شه. ملیکا با چشمای خودش دیده بود که مادر زیر میز قایم شد. اما هرچی زیر میز و بقیه‌ی خونه رو گشتن، اون رو پیدا نکردن. (اتفاق غیر منتظره)

اونا تصمیم می‌گیرن وارد جنگل بشن و اون‌جا دنبالش بگردن. ملیکا و دانیال برای اولین بار وارد جنگل نزدیک خونه‌شون شدن. اونا توی جنگل با گروهی از کوتوله‌ها مواجه شدن. کوتوله‌ها مهربون بودن و با بچه‌ها دوست شدن. یکی از اونا اسمش ژولی بود. اون به بچه‌ها می‌گه که مادرشون توی قصر سلطان اسیر شده. بچه‌ها با شنیدن این خبر غمگین شدن، اما تصمیم گرفتن برن و مادرشون رو نجات بدن. اونا به کمک دوستشون ژولی وارد قصر شدن. اما نیروهای سلطان اونا رو گرفتن و زندانی کردن. (ساختن)

بچه‌ها توی زندان نقشه‌ای می‌کشن و زندانبان رو گول می‌زنن و از اون حرف می‌کشن. زندانبان می‌گه که سلطان یه دیوه و شیشه‌ی عمرش رو توی همین سیاه‌چال نگه می‌داره. در همین حال که بچه‌ها با زندانبان صحبت می‌کردن، ژولی که متخصص تردستی و شعبده‌بازی بوده، یواشکی کلید رو از زندانبان کش می‌ره. شب که زندانبان می‌خوابه بچه‌ها فرار می‌کنن و شیشه‌ی عمر سلطان رو توی همون سیاه‌چال می‌شکنن. بعد از اون، بچه‌ها خودشون رو به محل نگهداری مادر می‌رسونن. در رو باز می‌کنن تا نجاتش بدن. (مشکل و راه حل)

اما بچه‌ها متوجه می‌شن که مادر طلسم شده و نمی‌تونه از جای خودش تکون بخوره. اونا برای لحظه‌ای ناامید می‌شن. ژولی به اونا می‌گه یه درخت جادویی رو می‌شناسه که میوه‌ش می‌تونه هر طلسمی رو از بین بیره. بچه‌ها مادر رو از قصر بیرون میارن و به خونه می‌برن، بعد خودشون رو به درخت می‌رسونن. با مار بزرگی که محافظ درخت بوده می‌جنگن. اما مار خیلی خیلی قویه و به این راحتی نمی‌شه شکستش داد. (مشکل اصلی)

بچه‌ها یادشون میاد که مادرشون همیشه یه ضرب‌المثل براشون تعریف می‌کرده: مار از پونه بدش میاد، دم خونه‌ش سبز میشه. اونا دنبال بوته‌ی پونه می‌گردن و مقدار زیادی پونه با خودشون میارن. بعد با پونه‌ها پیش مار می‌رن. مار تا پونه‌ها رو می‌بینه فرار می‌کنه و اونا میوه‌ی جادویی رو بر می‌دارن. (در آستانه‌ی فرود)

دانیال و ملیکا به خونه بر می‌گردن و مثل قبل کنار مادرشون به زندگی ادامه می‌دن. البته زندگی شون یه فرقی با قبل داشت: اونا دوستای جدیدی هم پیدا کرده بودن. ژولی و کوتوله‌ها. (پایان)

پس از این، بعضی از فعالیت‌های بچه‌ها را بررسی کنید و از آن‌ها بخواهید آن را برای دوستان‌شان بخوانند. احتمال دارد بعضی از آن‌ها کامل نباشد و اشتباهاتی در آن‌ها دیده شود. اشکالی ندارد. این تمرین فقط برای این است که بچه‌ها به درست نویسی فکر کنند و با آن مواجه شوند.